

بررسی رابطه بین افشای موضوعات کلیدی در گزارش حسابرس و ابهام در سود

محمد همتی

دانشجوی دکتری حسابداری، واحد سیرجان، دانشگاه آزاد اسلامی، سیرجان، ایران. (نویسنده مسئول).

Mohammadhemmati@gmail.com

دکتر محمدرضا خضری پور

استادیار گروه حسابداری، واحد سیرجان، دانشگاه آزاد اسلامی، سیرجان، ایران.

khezripour2018@gmail.com

چکیده

یکی از اهداف اساسی گزارشگری مالی، ارائه اطلاعات شفاف و قابل اتکا به استفاده‌کنندگان جهت تصمیم‌گیری آگاهانه است. با این حال، در سال‌های اخیر ابهام در سود به عنوان یکی از شاخص‌های کیفیت پایین سود، توجه بسیاری از پژوهشگران، سرمایه‌گذاران و تنظیم‌گران را به خود جلب کرده است. در چنین شرایطی، نقش حسابرس در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و ارتقای شفافیت اطلاعاتی حیاتی است. از این رو با توجه به مطالب فوق این تحقیق به دنبال بررسی این موضوع است که شهرت شرکت رابطه بین سیاست‌های تقسیم سود و مالکیت نهادی را تعدیل می‌کند؟ جامعه آماری تحقیق ۱۲۸ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. همچنین قلمرو زمانی شامل ۱۰ سال متوالی از سال ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۲ است که با استفاده از رگرسیون خطی چند متغیره و داده‌های ترکیبی به آزمون فرضیه تحقیق پرداخته شد که نتایج یافته‌ها نشان داد بین افشای موضوعات کلیدی در گزارش حسابرس و ابهام در سود رابطه معنادار و معکوسی برقرار هست.

کلیدواژه: ابهام در سود، افشای موضوعات کلیدی در گزارش حسابرس، عدم تقارن اطلاعاتی.

مقدمه

یکی از اهداف اساسی گزارشگری مالی، ارائه اطلاعات شفاف و قابل اتکا به استفاده‌کنندگان جهت تصمیم‌گیری آگاهانه است. با این حال، در سال‌های اخیر ابهام در سود به عنوان یکی از شاخص‌های کیفیت پایین سود، توجه بسیاری از پژوهشگران، سرمایه‌گذاران و تنظیم‌گران را به خود جلب کرده است. ابهام در سود به‌حالی اشاره دارد که در آن، سود گزارش شده فاقد پایداری، قابلیت پیش‌بینی و کیفیت بالا بوده و به دلیل اعمال برآوردهای ذهنی، رویه‌های حسابداری انعطاف‌پذیر یا عدم شفافیت اطلاعات، اعتماد سرمایه‌گذاران را تحت تأثیر قرار می‌دهد (فرانسیس و همکاران^۱، ۲۰۰۵). در چنین شرایطی، نقش حسابرس در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و ارتقای شفافیت اطلاعاتی حیاتی است. یکی از ابزارهای کلیدی در اختیار حسابرس برای ارتقای شفافیت، افشای موضوعات کلیدی حسابرسی^۲ در گزارش حسابرسی است. استاندارد بین‌المللی حسابرسی شماره ۷۰۱، حسابرسان را ملزم به افشای موضوعاتی می‌نماید که در جریان حسابرسی، بیشترین اهمیت و قضاوت حرفه‌ای را به خود اختصاص داده‌اند (استانداردهای حسابداری بین‌المللی^۳، ۲۰۱۵).

¹ Francis et al

² Key Audit Matters or KAMs

³ IAASB

این موضوعات می‌توانند به سرمایه‌گذاران در درک ریسک‌های ذاتی اطلاعات مالی و مناطق پرریسک گزارش مالی کمک کنند. با این حال، هنوز مشخص نیست که آیا افشای افشای موضوعات کلیدی حسابرسی می‌تواند ابهام موجود در سود را کاهش دهد یا خیر؟ برخی پژوهش‌ها بر این باورند که این افشا موجب ارتقای شفافیت و کاهش فرصت‌طلبی مدیریت در دست‌کاری سود می‌شود (کریستنسن و همکاران^۱، ۲۰۲۲). در حالی که برخی دیگر معتقدند افشای موضوعات کلیدی حسابرسی تنها اطلاعاتی تکراری و بی‌فایده ارائه می‌دهند (نچل و وانستران^۲، ۲۰۱۷). این موضوع، به‌ویژه در اقتصادهای نوظهور نظیر ایران که ساختار مالکیت متمرکز و شفافیت اطلاعاتی پایینی دارند، از اهمیت مضاعفی برخوردار است. در ایران، با توجه به ابلاغ الزامات جدید حسابرسی توسط سازمان حسابرسی و نهادهای ناظر، افشای موضوعات کلیدی به تدریج وارد ساختار گزارشگری مالی شده است. با این وجود، اثر واقعی این افشاها بر کیفیت گزارشگری و کاهش ابهام در سود هنوز به‌درستی بررسی نشده و یک خلأ پژوهشی در این زمینه وجود دارد. ادامه چنین شرایطی، یعنی وجود سودهای مبهم و کم‌کیفیت، نه تنها موجب گمراهی سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران مالی می‌شود، بلکه ریسک سرمایه‌گذاری و هزینه سرمایه را نیز افزایش می‌دهد. سازمان‌های ناظر، حسابرسان مستقل، سرمایه‌گذاران و پژوهشگران، همگی درگیر پیامدهای این مشکل هستند و دستیابی به راهکاری مبتنی بر شواهد برای بهبود کیفیت اطلاعات مالی از اهمیت بالایی برخوردار است. برخی محققان نظیر کارلین و همکاران^۳ (۲۰۱۹)، معتقدند که افشای موضوعات کلیدی حسابرسی می‌تواند به کاهش ابهام سود از طریق بهبود حاکمیت شرکتی کمک کند. در مقابل، سیرویس و همکاران^۴ (۲۰۱۸)، عنوان می‌کنند که افشای موضوعات کلیدی حسابرسی ممکن است صرفاً جنبه نمادین داشته و اثر واقعی بر درک سرمایه‌گذاران نگذارد. همچنین، تئوری نمایندگی و تئوری علائم، مبنای نظری تحلیل این موضوع قرار می‌گیرند. بر اساس تئوری نمایندگی، افشای موضوعات کلیدی حسابرسی می‌تواند ابزار نظارتی بر مدیریت تلقی شده و تضادهای اطلاعاتی را کاهش دهد. در حالی که تئوری علامت‌دهی^۵ بیان می‌کند که مدیریت ممکن است از افشای موضوعات کلیدی حسابرسی به عنوان ابزار ارسال سیگنال‌های خاص به بازار استفاده کند. با توجه به آنچه گفته شد، این پژوهش با هدف بررسی تأثیر افشای موضوعات کلیدی حسابرسی بر سطح ابهام در سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام می‌شود. انتظار می‌رود نتایج این پژوهش بتواند در درک بهتر نقش افشای موضوعات کلیدی حسابرسی در بهبود شفافیت مالی و کاهش ریسک اطلاعاتی مؤثر باشد. پرسش اصلی پژوهش حاضر این موضوع است که آیا افشای موضوعات کلیدی حسابرسی منجر به کاهش ابهام در سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌شود؟

چارچوب نظری و مرور پیشینه‌های مربوط

ابهام در سود حسابداری دارای سه بخش شامل گزارشگری جسورانه، زبان‌گریزی و هموارسازی سود است. از این رو به لحاظ نظری می‌توان چنین اظهار نمود که هر چه میزان هموارسازی سود کمتر باشد، شفافیت سود حسابداری بیشتر خواهد بود. مهم‌ترین پیامد منفی فقدان شفافیت سود حسابداری افزایش ریسک اطلاعاتی برای سرمایه‌گذاران و به تبع آن افزایش بازده مورد انتظار سرمایه‌گذاران است که در نهایت به افزایش هزینه سرمایه شرکت منتج می‌گردد (وکیلی فرد، ۱۳۹۴).

¹ Christensen et al

² Knechel & Vanstraelen

³ Carlin et al

⁴ Sirois et al

⁵ Signaling Theory

عدم شفافیت سود گزارش شده در برآورد بازده مورد انتظار سهامداران موثر است. کاهش شفافیت سود حسابداری باعث افزایش ریسک اطلاعاتی شده و این امر باعث افزایش صرف ریسک و در نهایت باعث افزایش بازده مورد انتظار سرمایه گذاران می‌گردد. هزینه سرمایه حداقل بازدهی است که شرکت باید به دست آورد تا بتواند پاسخگوی بازده مورد انتظار سرمایه گذاران باشد. بازده مورد انتظار سرمایه گذاران در واقع همان هزینه سرمایه شرکت است و در صورت افزایش باعث تحمیل ریسک‌هایی از قبیل ریسک ورشکستگی بر شرکت می‌گردد (طالب‌نیا، ۱۳۹۵).

به نظر هیو و همکاران (۲۰۰۶)، ابهام در سود زمانی پیش می‌آید که مدیران در طی سال‌های مداوم از اقلام تعهدی اختیاری استفاده کنند که این امر منجر به تغییر عمده در هزینه‌های واحد تجاری و سرمایه‌گذاری‌ها می‌شود. این عدم شفافیت باعث کاهش کیفیت سود افزایش ریسک گروه‌های ذینفع و عدم تقارن اطلاعاتی خواهد شد. به عبارتی ابهام در سود کیفیت تصمیمات سرمایه‌گذاری را تحت تاثیر قرار می‌دهد. هاتن و همکاران (۲۰۰۹)، معتقدند که در شرایط نبود شفافیت کامل در سود گزارش شده بنگاه‌های تجاری اقدام به مدیریت سود می‌کنند و مدیران انگیزه دارند برای حفظ شغل خود بخشی از زبان‌ها را پنهان کنند (حاجیپها و شاکر، ۱۳۹۴).

تئوری نمایندگی^۱ بیان می‌کند که در سازمان‌های مدرن، تضاد منافع میان مدیران (نمایندگان) و مالکان (اصیل‌ها) منجر به بروز عدم تقارن اطلاعاتی و رفتارهای فرصت‌طلبانه نظیر دستکاری سود می‌شود (جنسن و مک‌کلینگ^۲، ۱۹۷۶). چنین شرایطی، حساب‌رسان به عنوان نهاد ناظر می‌توانند از طریق افشای موضوعات کلیدی حسابرسی، شفافیت اطلاعاتی را افزایش داده و ابهام موجود در سود را کاهش دهند. بر این اساس، انتظار می‌رود افزایش تعداد و کیفیت افشای موضوعات کلیدی حسابرسی، احتمال دستکاری سود و ابهام سود را کاهش دهد. تئوری علامت‌دهی (اسپنس^۳، ۱۹۷۳)، تأکید دارد که طرف دارای اطلاعات (در اینجا مدیریت یا حسابرس) می‌تواند از طریق ارسال سیگنال‌هایی به بازار، به رفع عدم تقارن اطلاعاتی کمک کند. در پژوهش حاضر، افشای موضوعات کلیدی حسابرسی نقش سیگنال‌های اطلاع‌رسان به سرمایه‌گذاران را ایفا می‌کنند. شرکتی که سود شفاف‌تری دارد ممکن است موضوعات کلیدی بیشتری با محتوای دقیق‌تر افشا نماید تا نشان دهد اطلاعات مالی آن از کیفیت بالاتری برخوردار است.

نگوین و همکاران (۲۰۲۴)، در تحقیقی با عنوان ابهام در سود و مسئولیت اجتماعی شرکتها شواهدی از ویتنام با استفاده از نمونه شرکت‌های فهرست‌شده ویتنامی به‌عنوان یک بازار نوظهور از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۲، متوجه شدند که افشای اطلاعات مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها بیشتر توسط شرکت‌ها به طور مثبت با ابهام در سود بیشتر مرتبط است. در حالی که در کشورهای توسعه‌یافته مانند ایالات متحده آمریکا و بریتانیا، مدیران شرکت‌ها اطلاعات مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها بیشتر را به عنوان محتوای اصلی افشا می‌کنند، در بازارهای نوظهور مانند ویتنام، افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به عنوان یک هدف نمادین برای استتار فرصت‌طلبی مدیریتی استفاده می‌شود. یافته‌ها حاکی از آن است که وقتی مدیران شرکت‌ها سود را دستکاری می‌کنند، تمایل دارند اطلاعات مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها بیشتری را برای جلب حمایت سهامداران افشا کنند. از این رو، فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها زمانی که درآمدها به دلیل فرصت‌طلبی مدیریتی نامشخص است، به عنوان یک مکانیسم استقرار در نظر گرفته می‌شوند.

چین و همکاران (۲۰۲۳)، به بررسی ارتباط بین نااطمینانی سیاست اقتصادی و ابهام در سود بانکی پرداختند و با استفاده از نمونه بزرگی از بانک‌های آمریکا نشان دادند که نااطمینانی در سیاست‌های اقتصادی به طور مثبت با ابهام در سود و به طور منفی با سطح محافظه‌کاری حسابداری مرتبط است. در مجموع، یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که عدم قطعیت

¹ Agency Theory

² Jensen & Meckling

³ Spence

سیاست اقتصادی منجر به عدم شفافیت سود بیشتر می‌شود. همچنین تأثیر عدم قطعیت سیاست اقتصادی بر تحریف گزارش‌گری مالی برای بانک‌های قوی تر (یعنی بانک‌هایی با نسبت‌های کیفیت سرمایه بالا) کمتر است. کریستنسن و همکاران^۱ (۲۰۲۲)، در تحقیقی به بررسی تأثیر افشای موضوعات کلیدی در حسابرسی بر درک سرمایه‌گذاران از ریسک حسابرسی در ایالات متحده با استفاده از روش تحلیل محتوای گزارش‌های حسابرسی و آزمایش‌های رفتاری انجام دادند و به این نتیجه دست یافتند که افشای موضوعات کلیدی در حسابرسی باعث کاهش درک بهتر ریسک‌ها و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود.

سیرویس و همکاران^۲ (۲۰۱۸)، در تحقیقی به بررسی اثر افشای موضوعات کلیدی در حسابرسی بر قضاوت سرمایه‌گذاران در کانادا با استفاده از آزمایش‌های رفتاری انجام دادند و به این نتیجه دست یافتند که سرمایه‌گذاران درک دقیق‌تری از اطلاعات مالی پیدا نکردند و افشای موضوعات کلیدی در حسابرسی صرفاً اطلاعاتی تکراری بودند. لناکس و همکاران^۳ (۲۰۲۲)، در تحقیقی به بررسی افشای موضوعات کلیدی در حسابرسی و دستکاری سود در چین با استفاده از رگرسیون و تحلیل پانل انجام دادند که نتایج یافته‌ها نشان داد شرکت‌هایی که افشای موضوعات کلیدی در حسابرسی بیشتری افشا کردند، رفتار فرصت‌طلبانه کمتری در سوددهی داشتند.

حاجیها و علیزاده (۱۴۰۳)، به بررسی چرخش حسابرس، افشاء موضوعات کلیدی حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی پرداختند. پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های توصیفی تحلیلی است. از نظر دسته‌بندی پژوهش‌ها بر مبنای هدف، می‌توان این پژوهش را نوعی پژوهش کاربردی به شمار آورد. جمع‌آوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای و نظام معاملاتی بورس و نرم‌افزارهای اطلاع‌رسانی داده‌های مورد نیاز برای محاسبه متغیرهای مرتبط با بازار سهام در مرحله اول با استفاده از نرم‌افزارهای بورسی استخراج گردیده است. نرم‌افزارهای آماری در مرحله جمع‌آوری و پردازش اولیه داده‌ها از نرم‌افزار Excel استفاده شده است. در این مرحله داده‌های مربوط به بازار سهام که از نرم‌افزارهای اطلاع‌رسانی و معاملاتی بورس استخراج گردیده، مستقیماً وارد اکسل شده است. در این تحقیق تمامی شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی سال ۱۳۹۶ تا پایان سال ۱۴۰۰ به عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شده است. نتایج آزمون فرضیه حاکی از عدم وجود تأثیر معنی‌دار کلمات کلیدی حسابرسی بر کیفیت گزارشگری مالی و در یک مورد چرخش حسابرس بر کلمات کلیدی گزارشگری مالی به روش اقلام تعهدی اختیاری تعدیل شده بر مبنای عملکرد است اما در دو حالت دیگر نشان می‌دهد که افزایش چرخش حسابرس موجب افزایش کیفیت گزارشگری مالی می‌شود.

گرچی زاده و یاراحمدی (۱۴۰۲)، به بررسی رابطه بین چرخش حسابرس، افشای موضوعات کلیدی حسابرسی، و کیفیت گزارشگری مالی پرداختند. قلمرو مکانی این تحقیق شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و قلمرو زمانی سال‌های بین ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۰ بوده است. براساس روش حذف سیستماتیک تعداد ۱۲۸ شرکت به عنوان نمونه آماری انتخاب گردید. به منظور توصیف و تلخیص داده‌های جمع‌آوری شده از آمارتوصیفی و استنباطی بهره گرفته شده است. نتایج نشان داد چرخش حسابرس بر افشای موضوعات کلیدی حسابرس تأثیر گذار است؛ به علاوه چرخش حسابرس در شرایط افشای موضوعات کلیدی حسابرس بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر گذار است.

نصیری و زینالی (۱۴۰۲)، به بررسی رابطه چرخش حسابرس و افشای موضوعات کلیدی حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند و ۱۴۵ شرکت از طریق نمونه‌گیری به روش حذف سیستماتیک برای دوره زمانی ۸ ساله بین ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۰ انتخاب شده و داده‌های مربوط به متغیرهای پژوهش بعد از گردآوری در نرم‌افزار اکسل با استفاده از نرم‌افزار آماری ایویوز مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. بین چرخش

¹ Christensen et al

² Sirois, Bédard & Bera

³ Lennox, Wu & Zhang

حسابرس و کیفیت گزارشگری مالی رابطه ی معکوس معناداری رابطه دارد همچنین بین افشای موضوعات کلیدی حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی رابطه معکوس معناداری دارد.

فرضیه تحقیق

فرضیه اول: بین افشا موضوعات کلیدی در حسابرسی و ابهام در سود رابطه معناداری وجود دارد.

روش تحقیق

تحقیق مورد نظر بر اساس هدف که به دنبال پاسخگویی و ارائه راهکارها در جهت تصمیم‌گیری می‌باشد کاربردی می‌باشد. از طرفی دیگر با توجه به این که این تحقیق باعث شناخت بیشتر شرایط موجود شده و در آن رابطه بین متغیرها بر اساس هدف تحقیق تحلیل می‌گردد از نوع توصیفی همبستگی می‌باشد که تحقیق مورد بررسی از نوع تحلیل رگرسیون می‌باشد. داده‌های تحقیق حاضر از لوح های فشرده آرشیو آماری و تصویری سازمان بورس اوراق بهادار تهران، پایگاه اینترنتی بورس اوراق بهادار تهران و دیگر پایگاه های مرتبط نظیر کدال استخراج گردیده است. جامعه آماری تحقیق کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. همچنین قلمرو زمانی شامل ۱۰ سال متوالی از سال ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۲ است که بررسی فرضیه‌های تحقیق با استفاده از داده‌های واقعی این سال‌ها انجام خواهد شد. که پس از اعمال محدودیت ۱۲۸ شرکت انتخاب گردید.

اندازه گیری متغیرهای مورد استفاده در این پژوهش

متغیر مستقل: افشای موضوعات کلیدی حسابرسی در گزارش (KAMs):

افشای موضوعات کلیدی متغیر دامی است که در صورتی که افشای موضوعات کلیدی حسابرسی در دوره جاری نسبت به دوره قبل متفاوت باشد برابر است با یک و در غیر این صورت برابر است با صفر (لین و یین، ۲۰۲۲؛ گرجی زاده و یار احمدی، ۱۴۰۲؛ ملکان و همکاران، ۱۴۰۱؛ عاشوری، ۱۴۰۳).

متغیر وابسته: ابهام در سود: مطابق با روش نگوین و همکاران^۲ (۲۰۲۴)، هاتون و همکاران^۳ (۲۰۰۹)، و یزدانخواه (۱۴۰۰) برای محاسبه ابهام در سود به عنوان مجموع میانگین متحرک سه ساله قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری سالانه استفاده می‌گردد. همانطور که در معادله زیر آمده است:

$$OPACITY_{it} = AbsV(DACC_{it-1}) + AbsV(DACC_{it-2}) + AbsV(DACC_{it-3})$$

$DACC$: به عنوان باقیمانده حاصل از مدل اصلاح شده جونز اندازه گیری می‌شود (دیچو و همکاران^۴، ۱۹۹۵؛ کوتاری و همکاران^۵، ۲۰۰۵).

$$TACC_{it}/TA_{it} = \alpha_1 1/TA_{it-1} + \alpha_2 \Delta REV_{it}/TA_{it-1} + \alpha_3 PPE_{it}/TA_{it-1} + \alpha_4 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$$

¹ earnings opacity

² Nguyen et al

³ Hutton, A.P., Marcus, A.J. and Tehranian, H.

⁴ Dechow et al

⁵ Kothari et al

$TACC$: مجموع اقلام تعهدی، تفاوت سود خالص و جریان وجوه نقد عملیاتی

TA : مجموع دارایی‌ها

ΔREV : تغییرات فروش

PPE : اموال، ماشی آلات و تجهیزات

ROA : بازده دارایی‌ها، نسبت سود خالص به مجموع دارایی‌ها

به منظور ارائه مدل جونز تعدیل شده متغیر تغییرات در حساب‌های دریافتی (ΔREC_{it}) را به مدل اضافه می‌گردد:

$$\frac{TACC_{it}}{TA_{it}} = \alpha_1 \frac{1}{TA_{it-1}} + \alpha_2 \frac{(\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it})}{TA_{it-1}} + \alpha_3 \frac{PPE_{it}}{TA_{it-1}} + \alpha_4 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$$

ε_{it} : قدر مطلق باقیمانده حاصل از مدل اصلاح شده جونز اقلام تعهدی اختیاری ($DACC$) می‌باشد.

متغیرهای کنترلی

$Size_{it}$: لگاریتم طبیعی ارزش بازار شرکت در پایان سال مالی به عنوان معیار اندازه شرکت

AGE_{it} : سن شرکت بوده از لگاریتم طبیعی تفاضل سال تاسیس و سال جاری مورد نظر بدست می‌آید.

$Leverage_{it}$: اهرم مالی شرکت i در سال t که از تقسیم بدهی بر ارزش دفتری دارایی‌ها محاسبه می‌گردد.

ROA_{it} : سودآوری شرکت بوده و برابر نسبت سود خالص به جمع دارایی‌ها است.

یافته های تحقیق

توصیف آماری متغیرها

جدول (۱): شاخص‌های توصیفی متغیرها

متغیرهای پیوسته						پنل الف:
انحراف معیار	کمترین	بیشترین	میانه	میانگین	نماد	
۰.۱۶	-۰.۲۷	۰.۳۷	۰.۰۲	۰.۱۴	OPACITY	ابهام در سود
۰.۲۰	۰.۲۰	۰.۹۱	۰.۵۵	۰.۵۵	LEV	اهرم مالی
۰.۱۵	-۰.۱۰	۰.۴۵	۰.۱۳	۰.۱۵	ROA	بازده دارایی
۱.۸۵	۱۱.۰۲	۲۲.۳۰	۱۶.۱۸	۱۵.۹۸	SIZE	اندازه شرکت
۰.۳۵	۲.۶۴	۴.۲۸	۳.۸۳	۳.۷۲	AGE	سن شرکت
متغیرهای گسسته						پنل ب:
درصد		فراوانی	نوع طبقه	نام متغیر		
۶۸/۸۳٪		۸۲۶	۰	افشای موضوعات کلیدی حسابرسی در		
۳۱/۱۷٪		۳۷۴	۱	گزارش		

ماخذ: یافته‌های پژوهش

با نگاهی به جدول (۱) مشاهده می‌شود که میانه و میانگین متغیرها فاصله زیادی باهم ندارند و هر چه قدر به هم نزدیک باشد توزیع آن‌ها به توزیع نرمال نزدیک‌تر است. با توجه به جدول میانگین متغیرهای ابهام در سود، اهرم مالی، بازده دارایی، اندازه شرکت، سن شرکت به ترتیب برابر ۰.۱۴، ۰.۵۵، ۰.۱۵، ۱۵.۹۸، ۳.۷۲ می‌باشد. بیشترین و کمترین مقدار متغیرهای ابهام در سود، اهرم مالی، بازده دارایی، اندازه شرکت، سن شرکت (بیشترین ۰.۳۷، ۰.۹۱، ۰.۴۵، ۲۲.۳۰، ۴.۲۸ و کمترین -۰.۲۷، ۰.۲۰، -۰.۱۰، ۱۱.۰۲، ۲.۶۴) می‌باشد. با مقایسه انحراف معیار متغیرهای موردبررسی به این نتیجه

می‌رسیم که متغیر بازده دارایی با مقدار (۰/۱۵) نسبت به سایر متغیرها دارای کمترین پراکندگی است و متغیر اندازه شرکت با مقدار (۱/۸۵) دارای بیشترین پراکندگی است و این بدان معناست که این متغیر نوسان‌های شدیدتری دارد است. با توجه به پدل نیز نتایج نشان می‌دهد درصد فراوانی افشای موضوعات کلیدی حسابرسی در گزارش شرکت ۳۱/۱۷٪ می‌باشد که نشان دهنده این است که تقریباً ۳۱/۱۷٪ یعنی حدود ۳۷۴ شرکت‌های مورد بررسی دارای افشای موضوعات کلیدی حسابرسی در گزارش هستند.

آزمون‌های ریشه واحد در داده‌های تابلویی

برای بررسی مانایی از آزمون ریشه‌ی واحد استفاده شده است.

جدول (۲): خلاصه نتایج آزمون ریشه‌ی واحد-آزمون لوین لین و چپو

نام متغیر	نماد	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه
افشای موضوعات کلیدی حسابرسی در گزارش	KAMS	-۹/۹۹	۰/۰۰۰۰	مانا
ابهام در سود	OPACITY	-۱۶/۵۹	۰/۰۰۰۰	مانا (مرتب اول)
اهرم مالی	LEV	-۱۱/۶۵	۰/۰۰۰۰	مانا
بازده دارایی	ROA	-۱۲/۳۹	۰/۰۰۰۰	مانا
اندازه شرکت	SIZE	-۶/۵۲	۰/۰۰۰۰	مانا
سن شرکت	AGE	-۶۳/۰۴	۰/۰۰۰۰	مانا

ماخذ: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج ۲ می‌توان گفت از آنجایی که احتمال‌های محاسبه شده در آزمون لوین لین و چو کوچکتر از ۰/۰۵ است در نتیجه فرضیه صفر که مبنی بر وجود ریشه واحد برای متغیرها پذیرفته نمی‌شود و تمامی متغیرها مانا هستند.

آزمون ناهمسانی واریانس

برای آزمون ناهمسانی واریانس از آزمون وایت استفاده شده است.

جدول (۳): آزمون همسانی واریانس

فرضیه	مقدار آماره	سطح معنی‌داری	نتیجه
مدل اول	۱/۰۲	۰/۴۳۱۵	همسانی واریانس

ماخذ: یافته‌های پژوهش

برای تخمین الگوهای اقتصادی، روش‌های متفاوتی وجود دارد. با لحاظ کردن فروض کلاسیک، روش حداقل مربعات معمولی (OLS) بر اساس قضیه گاوس-مارکف بهترین تخمین زننده خطی بدون تورش است؛ اما در صورت وجود ناهمسانی واریانس دیگر روش حداقل مربعات معمولی (OLS) روش مناسبی برای تخمین نیست که از این رو با وزن دادن (Cross-section weights) به رفع آن پرداخته و مدل مناسب برای تخمین آزمون فرضیه‌ها روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته (GLS) خواهد بود.

بررسی آزمون فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی اول: بین افشای موضوعات کلیدی در حسابرسی و ابهام در سود رابطه معناداری وجود دارد.

مدل: معادله رگرسیون مورد تخمین در این پژوهش به صورت زیر می‌باشد:

$$OPACITY_{it} = \beta_0 + \beta_1 KAMS_{it} + \beta_4 Size_{it} + \beta_5 AGE_{it} + \beta_6 LEV_{it} + \beta_7 ROA_{it} + \beta_8 INDUSTRY_{it} + \beta_9 YEAR_{it} + \varepsilon_{it}$$

جدول (۴): نتایج تخمین فرضیه تحقیق

متغیر وابسته: ابهام در سود						
نتیجه	عامل تورم واریانس	سطح معناداری	آماره t	انحراف استاندارد ضرایب	ضرایب	متغیرها
معنی دار	۱.۰۴۰۲۶۱	۰.۰۱۲۳	-۲.۵۱۴۴۷۶	۰.۲۴۰۴۳۳	-۰.۶۰۴۵۶۲	افشای موضوعات کلیدی در گزارش حسابرسی
معنی دار	۳.۷۷۹۴۶۰	۰.۰۴۳۳	-۲.۰۲۶۵۶۲	۰.۲۲۳۳۲۰	-۰.۴۵۰۵۴۵	اندازه شرکت
معنی دار	۱.۰۳۹۹۳۲	۰.۰۰۹۴	۲.۶۱۰۲۳۹	۰.۶۰۵۶۹۷	۱.۵۸۱۰۱۴	سن شرکت
معنی دار	۲.۰۵۳۶۱۵	۰.۰۱۲۳	۲.۵۱۳۷۸۰	۰.۰۶۷۰۰۵	۰.۱۶۸۴۳۷	اهرم مالی
معنی دار	۲.۱۱۶۷۸۵	۰.۰۰۰۱	-۴.۰۴۳۱۰۶	۰.۱۱۴۱۲۸	-۰.۴۶۱۴۳۱	بازده دارایی
-	-	۰.۷۴۸۸	-۰.۳۲۰۲۱۷	۰.۸۷۳۰۷۳	-۰.۲۷۹۵۷۳	عرض از مبدا
سایر آماره‌های اطلاعاتی						
در نظر گرفته شده است		متغیر ساختگی صنعت		در نظر گرفته شده است		متغیر ساختگی سال
۰/۴۶		ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۴۹		ضریب تعیین
۰/۰۰		سطح معناداری F		۱۱/۹۴		آماره F
۱/۹۵				دوربین واتسون		

ماخذ: یافته‌های پژوهش

در بررسی معنی‌دار بودن کل مدل با توجه به این که سطح معناداری آماره F از ۵ درصد کوچک‌تر است (۰/۰۰) لذا مدل معنی‌دار بوده و فرضیه H_1 آزمون F در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می‌شود. ضریب تعیین مدل نیز گویای آن است که ۰/۴۹ درصد متغیر ابهام در سود توسط متغیرهای توضیحی تبیین می‌گردد. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۴۶ درصد به دست آمده است. علاوه بر این به منظور بررسی همبستگی جملات خطا باید به میزان آماره دوربین واتسون توجه نمود چون مقدار آن ۱/۹۵ و بازه قابل قبول (۱/۵ تا ۲/۵) قرار گرفت از این رو فرض همبستگی جملات خطا رد می‌شود. در این معادله برای بررسی عدم وجود هم خطی از معیار عامل تورم واریانس (VIF) استفاده شد. وقتی که شاخص تورم واریانس کمتر از ۱۰ باشد، نشان دهنده عدم وجود هم خطی می‌باشد. با توجه به جدول فوق نتایج حاصل از این آزمون نشان می‌دهد که میزان تورم واریانس متغیرهای مدل پژوهش در حد مجاز خود قرار داشته و لذا از این بابت مشکلی وجود ندارد.

با توجه به نتایج آزمون فرضیه متغیر افشای موضوعات کلیدی در گزارش حسابرسی با توجه به اینکه سطح معناداری آن کوچکتر از ۵ درصد هستند که نشان دهنده رابطه معنادار با ابهام در سود است لذا فرضیه پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد تایید می‌شود. و از آنجایی که ضریب آن منفی هست پس بیان افشای موضوعات کلیدی در گزارش حسابرسی و ابهام در سود رابطه منفی و معناداری برقرار است به نوعی با افزایش افشای موضوعات کلیدی در گزارش حسابرسی، ابهام در سود نیز کاهش پیدا می‌کند.

همچنین متغیرهای کنترلی اندازه شرکت، سن شرکت، اهرم مالی و بازده دارایی با توجه به سطح معناداری کمتر از ۵ درصد در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معناداری با ابهام در سود دارند.

بحث و نتیجه گیری

نتایج نشان داد که بین سطح افشای موضوعات کلیدی حسابرسی و میزان ابهام در سود رابطه معناداری وجود دارد، به گونه‌ای که افزایش افشای موضوعات کلیدی حسابرسی با کاهش ابهام سود همراه بوده است. این یافته، با انتظارات نظری مبتنی بر تئوری نمایندگی سازگار است. از این منظر، افشای موضوعات کلیدی حسابرسی به عنوان سازوکاری نظارتی، می‌تواند رفتارهای فرصت طلبانه مدیریت در پنهان سازی یا دست کاری سود را مهار کرده و در نتیجه، کیفیت سود و شفافیت اطلاعاتی را بهبود بخشد. همچنین یافته‌های پژوهش با تئوری علائم نیز همخوانی دارد؛ به عبارتی، شرکت‌هایی که از کیفیت بالاتری در گزارشگری مالی برخوردارند، با افشای دقیق‌تر و شفاف‌تر موضوعات کلیدی، سیگنال مثبتی به بازار مخابره می‌کنند و در نتیجه سرمایه‌گذاران با اطمینان بیشتری اطلاعات سود را تفسیر می‌نمایند. از منظر تجربی، یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج مطالعات خارجی نظیر کریستنسن و همکاران (۲۰۲۲)، و لناکس و همکاران (۲۰۲۲)، و کارلین و همکاران (۲۰۱۹)، مطابقت دارد. این مطالعات نشان داده‌اند که افشای موضوعات کلیدی حسابرسی موجب بهبود درک سرمایه‌گذاران از ریسک‌های گزارشگری و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌شوند. در مقابل، پژوهش‌هایی چون سیرویس و همکاران (۲۰۱۸)، که اثر افشای موضوعات کلیدی حسابرسی را صرفاً نمادین و بی‌تأثیر ارزیابی کرده‌اند، با یافته‌های این پژوهش در تضاد هستند. این تفاوت ممکن است ناشی از ویژگی‌های زمینه‌ای، سطح توسعه بازار سرمایه، فرهنگ مالی و ساختارهای نهادی متفاوت میان کشورها باشد. تأیید فرضیه اصلی مبنی بر وجود رابطه معکوس بین افشای موضوعات کلیدی حسابرسی و ابهام در سود می‌تواند ناشی از عوامل زیر باشد:

افزایش فشار نظارتی بر حساب‌رسان: در سال‌های اخیر، نهادهای نظارتی در ایران، حساب‌رسان را به افشای دقیق‌تر ریسک‌ها و موضوعات کلیدی ملزم کرده‌اند که باعث شده نقش کنترلی حساب‌رسان تقویت شود. واکنش سرمایه‌گذاران به محتوای افشای موضوعات کلیدی حسابرسی: بازار سرمایه ایران نسبت به اطلاعات مربوط به ریسک‌های حسابرسی حساس‌تر شده و این موجب شده شرکت‌ها برای حفظ اعتبار خود، از گزارش سودهای مبهم اجتناب کنند.

ارتقای کیفیت حاکمیت شرکتی: شرکت‌هایی که موضوعات کلیدی بیشتری را با جزئیات افشا می‌کنند، احتمالاً از ساختار حاکمیتی قوی‌تری برخوردارند که خود منجر به کاهش دستکاری سود می‌شود. با توجه به یافته‌های پژوهش که نشان‌دهنده رابطه معنادار بین افشای موضوعات کلیدی حسابرسی و کاهش ابهام در سود می‌باشد، پیشنهادهای زیر به ذی‌نفعان مختلف ارائه می‌گردد:

حساب‌رسان مستقل: توصیه می‌شود افشای موضوعات کلیدی به صورت دقیق، صریح و با تمرکز بر جنبه‌های خاص هر شرکت صورت گیرد و از بیان کلیشه‌ای و تکراری پرهیز گردد، استفاده از زبان ساده و قابل فهم در بیان افشای موضوعات کلیدی حسابرسی می‌تواند در ارتقای درک استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی مؤثر باشد.

مدیران شرکت‌ها: شفافیت در گزارشگری و همکاری کامل با حساب‌رسان در فرآیند شناسایی و افشای موضوعات کلیدی حسابرسی می‌تواند منجر به بهبود اعتماد بازار و کاهش هزینه سرمایه شرکت گردد. با توجه به نقش افشای موضوعات کلیدی حسابرسی در کاهش ابهام در سود، شرکت‌ها باید در راستای بهبود کیفیت سود و کنترل‌های داخلی خود اقدام نمایند.

نهادهای نظارتی (سازمان بورس، جامعه حسابداران رسمی): پیشنهاد می‌شود دستورالعمل‌ها و استانداردهای تفصیلی‌تری در خصوص نحوه افشای موضوعات کلیدی حسابرسی تدوین و ابلاغ گردد تا رویه‌های گزارش‌دهی استانداردسازی شود و برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای حساب‌رسان و تحلیل‌گران بازار سرمایه جهت تفسیر درست افشای موضوعات کلیدی حسابرسی، ضروری به نظر می‌رسد.

سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران مالی: توصیه می‌شود در تحلیل ریسک و ارزیابی کیفیت سود شرکت‌ها، به دقت به محتوای افشای موضوعات کلیدی حسابرسی توجه شود، چرا که این اطلاعات می‌تواند نشانه‌ای از سطح ریسک نهفته در عملکرد مالی شرکت باشد. استفاده از افشای موضوعات کلیدی حسابرسی به عنوان مکمل تحلیل‌های سنتی مالی می‌تواند به تصمیم‌گیری دقیق‌تر کمک کند.

با توجه به یافته‌ها و محدودیت‌های این پژوهش، زمینه‌های زیر برای تحقیقات آینده پیشنهاد می‌شود: بررسی نقش کیفیت حسابرسی: پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده، نقش کیفیت حسابرسی (مانند تخصص در صنعت، اندازه مؤسسه حسابرسی یا سابقه حضور) به عنوان متغیر تعدیل‌گر در رابطه بین افشای موضوعات کلیدی حسابرسی و ابهام سود بررسی شود.

تحلیل محتوای کیفی افشای موضوعات کلیدی حسابرسی: به جای صرفاً شمارش تعداد افشای موضوعات کلیدی حسابرسی، محققان آینده می‌توانند از تکنیک‌های تحلیل محتوا یا متن‌کاوی برای ارزیابی کیفیت و پیچیدگی افشای موضوعات کلیدی حسابرسی استفاده کنند.

مقایسه بین‌المللی: مقایسه میان کشورهای با ساختارهای نظارتی و محیط‌های اقتصادی مختلف (نظیر ایران و کشورهای اروپایی) می‌تواند به درک تفاوت‌های نهادی در تأثیر افشای موضوعات کلیدی حسابرسی بر ابهام سود کمک کند. بررسی نقش افشای موضوعات کلیدی حسابرسی در سایر ابعاد گزارشگری مالی: به عنوان مثال، می‌توان تأثیر افشای موضوعات کلیدی حسابرسی را بر پایداری سود، واکنش بازار سرمایه یا رفتار سرمایه‌گذاران نهادی بررسی کرد. مطالعه نقش فناوری در بهبود فهم افشای موضوعات کلیدی حسابرسی: بررسی تأثیر ابزارهای دیجیتال، گرافیکی یا گزارشگری یکپارچه بر درک بهتر افشای موضوعات کلیدی حسابرسی توسط کاربران صورت‌های مالی، می‌تواند زمینه تحقیقاتی نوینی ایجاد کند.

منابع

- ✓ حاجیه‌ها، زهره، شاکر، معصومه، (۱۳۹۴)، بررسی تأثیر بی‌ثباتی سود و عدم شفافیت بر ریسک کاهش قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، حسابداری مالی، دوره ۷، شماره ۲۵، صص ۸۹-۱۰۸.
- ✓ طالب‌نیا، قدرت‌الله، (۱۳۹۵)، اثر شفافیت سود حسابداری بر ریسک ورشکستگی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، دوره ۸، شماره ۳۰، صص ۸۸-۱۰۱.
- ✓ گرجی‌زاده، داوود، یاراحمدی، نساء، (۱۴۰۲)، بررسی رابطه بین چرخش حسابرسی، افشای موضوعات کلیدی حسابرسی، و کیفیت گزارشگری مالی، نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری، دوره ۷، شماره ۲۷، صص ۱۴۵۶-۱۴۷۶.
- ✓ نصیری، محمد، زینالی، معصومه، (۱۴۰۲)، رابطه چرخش حسابرسی و افشای موضوعات کلیدی حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، چشم انداز حسابداری و مدیریت، دوره ۶، شماره ۸۴، صص ۱۹۶-۲۱۳.
- ✓ وکیلی‌فرد، حمیدرضا، (۱۳۹۴)، اثر سطح حاکمیت شرکتی بر شفافیت سود حسابداری و هزینه سرمایه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، شماره ۲۲.
- ✓ یزدانخواه، علیرضا، (۱۴۰۰)، بررسی تأثیر مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی از دو دیدگاه ساختار هیات مدیره و کیفیت حسابرسی بر ابهام در سود شرکت‌ها در دوران پس از اجرای قوانین و اصلاحات، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.

- ✓ Carlin, T. M., Finch, N., & Ford, G. (2019). Insights from the Expanded Auditor's Report in Australia: Evidence from the First Year of Implementation. *Australian Accounting Review*, 29(2), 305–318.
- ✓ Christensen, B. E., Glover, S. M., & Wolfe, C. J. (2022). Do Critical Audit Matter Disclosures Impact Investors' Perceptions of Audit Quality? *Contemporary Accounting Research*, 39(1), 456-486. <https://doi.org/10.1111/1911-3846.12706>
- ✓ Hutton, A.P., Marcus, A.J. and Tehranian, H. (2009), "Opaque financial reports, R2, and crash risk", *Journal of Financial Economics*, Vol. 94 No. 1, pp. 67-86.
- ✓ IAASB – International Auditing and Assurance Standards Board. (2015). ISA 701: Communicating Key Audit Matters in the Independent Auditor's Report. <https://www.iaasb.org>
- ✓ Jin, J., Kanagaretnam, K., Liu, Y., & Lobo, G. J. (2023). Economic policy uncertainty and bank earnings opacity. *Journal of Accounting and Public Policy*, 31(3), 022–501
- ✓ Lennox, C., Schmidt, J., & Thompson, A. (2022). Are Expanded Audit Reports Informative to Investors? Evidence from the UK. *Review of Accounting Studies*, 27, 132-161. <https://doi.org/10.1007/s11142-021-09669-7>
- ✓ Lin -Hsiao-Lun, Ai-Ru Yen .(2022). Auditor rotation, key audit matter disclosures, and financial reporting quality.
- ✓ Nguyen, H.T.T., Nguyen, T.T. and Nguyen, H.T.T. (2024), "The impact of earnings opacity on corporate social responsibility: insights from Vietnamese listed firms", *Journal of Economics and Development*, Vol. 26 No. 4, pp. 290-305. <https://doi.org/10.1108/JED-03-2024-0103>
- ✓ Sirois, L. P., Bédard, J., & Bera, P. (2018). The Informational Value of Key Audit Matters in the Auditor's Report: Evidence from an Eye-Tracking Study. *Accounting Horizons*, 32(2), 141–162.